



The future image of the effects and consequences of the Abraham Accord on the political and security interests of the Islamic Republic of Iran in West Asia

Hosein Hemmatifar¹ | Afshin Mottaghi^{2*} | Hossein Rabiee³ | Reza Moghiseh⁴

1. PhD graduate in Political Geography, Faculty of Geographical Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran.

2. Corresponding Author: Professor of Political Geography, Faculty of Geographical Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran. Email: a.mottaghi@khu.ac.ir

3. Associate Professor of Political Geography, Faculty of Geographical Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran.

4. Researcher and Lecturer in Futures Studies, Imam Hossein Comprehensive University, Tehran, Iran.

Abstract

The Abraham Accord is the starting point of a fundamental transformation in the regional order of West Asia, which will have a tremendous impact on Iran's political and security interests. Therefore, it is necessary to examine its effects and consequences for the intelligent and desirable construction of the future. The appropriate answer to the central question "the future picture of the effects and consequences of the Abraham Accord on Iran's political and security interests in West Asia" is considered the main goal of the research. The current research is qualitative in terms of methodology. To identify the effects and consequences, the future wheel technique has been used, and in order to increase the validity and accuracy of the processes and findings, the software (MaxQDA) has been used.

The most important first order consequences of this Accord are: The deviation of a number of Arab governments from the Palestinian cause, Intensification of the struggles of Palestinian resistance groups and members of the resistance axis against the Israel and vice versa, dynamics and Reconsideration in Iran's Foreign and Neighborhood Policy, And the growth of the Israel influence and presence in the Persian Gulf region. And the most important second order consequences of this treaty can be Insecurity crisis in the region, considered the return of Palestine to the heart of world events, the intertwining of the interests of the treaty members, the creation of a security environment, keeping the Rimland region dependent, and transforming the Israel into a gateway for the transfer of goods and energy.

Keywords: Geopolitics. Iran, Abraham Accord, future image.

Volume info

Vol. 35
Series: 135
Autumn 2026
P.P: 173-197

Article Type

Research Paper

Article History

Received:

2025-01-11

Revised:

2025-05-26

Accepted:

2025-05-27

Published:

2026-08-23

ISSN – E-ISSN

ISSN: 2008-6121
E-ISSN: 2645-5218



Cite this Article: Hemmatifar, H., Mottaghi, A., Rabiee, H., & Moghiseh, R. (2026). The future image of the effects and consequences of the Abraham Accord on the political and security interests of the Islamic Republic of Iran in West Asia. *Scientific Journal of Defense Policy*, 35(135), 173-197. doi : 10.47176/dpj.2026.1801



© Author(s) retain the copyright and full publishing rights

OPEN ACCESS

Publisher: Imam Hossein University.

تصویر آینده آثار و پیامدهای پیمان ابراهیم بر منافع سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا

حسین همتی فر^۱ | افشین متقی^{۲*} | حسین ربیعی^۳ | رضا مقیسه^۴

۱. دانش آموخته دکتری جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۲. نویسنده مسئول: استاد جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

Email: a.mottaghi@khu.ac.ir

۳. دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۴. پژوهشگر و مدرس آینده پژوهی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران.

چکیده

پیمان ابراهیم نقطه آغاز تحول بنیادی در نظم منطقه‌ای غرب آسیا است که تاثیر شگرفی بر منافع سیاسی و امنیتی ایران خواهد داشت. بنابراین بررسی آثار و پیامدهای آن برای ساخت هوشمندانه و مطلوب آینده، ضروری است. پاسخ مناسب برای سؤال محوری «تصویر آینده آثار و پیامدهای پیمان ابراهیم بر منافع سیاسی و امنیتی ایران در غرب آسیا»، هدف اصلی پژوهش محسوب می‌گردد. پژوهش حاضر از نظر روش‌شناسی، کیفی محسوب می‌شود. برای شناسایی آثار و پیامدها، تکنیک چرخ آینده به کار بسته شده است و به‌منظور افزایش اعتبار و دقت فرایندها و یافته‌ها، از نرم‌افزار (MaxQDA) استفاده گردیده است. مهم‌ترین پیامدهای نخستین این پیمان؛ عدول تعدادی از دولت‌های عربی از آرمان فلسطین، تشدید مبارزات گروه‌های مقاومت فلسطینی و اعضای محور مقاومت علیه رژیم صهیونیستی و بالعکس، پویایی و بازنگری در سیاست خارجی و همسایگی ایران و رشد نفوذ و حضور رژیم صهیونیستی در منطقه خلیج فارس بوده است و مهم‌ترین پیامدهای پسین این پیمان را می‌توان بحران ناامنی در منطقه، بازگشت فلسطین به قلب حوادث جهان، در هم تنیده شدن منافع اعضای پیمان، ایجاد فضای امنیتی و وابسته نگه داشتن منطقه ریملند و تبدیل رژیم صهیونیستی به دروازه انتقال کالا و انرژی محسوب نمود. **کلیدواژه‌ها:** ژئوپلیتیک، ایران، پیمان ابراهیم، تصویر آینده.

استناد: همتی فر، حسین؛ متقی، افشین؛ ربیعی، حسین و مقیسه، رضا. (۱۴۰۵). تصویر آینده آثار و پیامدهای پیمان

ابراهیم بر منافع سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا. فصلنامه سیاست دفاعی، ۳۵ (۱۳۵)، ۱۷۳-۱۹۷.

doi: 10.47176/dpj.2026.1801

© نویسنده(گان) حق نشر و حقوق کامل انتشار را برای خود محفوظ می‌دارند.



ناشر: دانشگاه جامع امام حسین(ع).

OPEN ACCESS

مقدمه

دولت‌ها و کشورها مهم‌ترین بازیگران عرصه سیاست جهان هستند. آن‌ها اصالت استقلال و حاکمیت دارند و براین اساس و متناسب با موقعیت و منزلت خود در نظام بین‌الملل بر شکل‌گیری پدیده‌های جهانی تأثیر می‌گذارند. در دهه‌های اخیر تمایل کشورها در تأسیس سازه‌ها و ساختارهای منطقه روبه‌توسعه است. با توجه به محیط منطقه‌ای و سطح فرصت‌ها و تهدیدات موجود در آن نباید انتظار داشت استراتژی‌های یک کشور در سیاست خارجی ثابت باشد، بلکه کشورها به تناسب فرصت‌ها و تهدیدات منطقه‌ای و قوت‌ها و ضعف‌های داخلی سمت‌گیری‌های مختلفی را در سیاست خارجی خود اتخاذ می‌کنند (هادی‌پور و حافظ‌نیا، ۱۴۰۲: ۹۳). دولت‌های منطقه غرب آسیا نیز از این قاعده مستثنی نبوده‌اند. در این منطقه بر اساس اهداف و منافع قدرت‌ها و بازیگران در درون ساختار منطقه ژئوپلیتیکی خود، الگویی از روابط ژئوپلیتیکی بین واحدهای سیاسی منطقه شکل می‌گیرد (موسوی شهیدی و همکاران، ۱۴۰۱: ۴۷۹). از مصادیق بارز تغییر سمت‌گیری‌ها در سیاست خارجی و روابط ژئوپلیتیکی در منطقه غرب آسیا، تغییرات در الگوهای رفتاری بین دولت‌های عربی و رژیم صهیونیستی است. شکل‌گیری پیمان ابراهیم و عادی‌سازی روابط بین چند کشور عربی و رژیم صهیونیستی از مهم‌ترین تحولات و تغییرات اساسی در الگوهای رفتاری دولت‌های عربی و رژیم صهیونیستی طی چند سال اخیر در منطقه غرب آسیا، است. توافق‌نامه‌ای که به منظور عادی‌سازی روابط و صلح بین رژیم صهیونیستی و امارات متحده عربی ابتدا در ۱۳ اوت ۲۰۲۰، و طی بیانیه مشترک ایالات متحده، رژیم صهیونیستی و امارات متحده عربی اعلام و در ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۰، در کاخ سفید امضا شد. (Halbfinger: 2020, 1-4).

در طول هفت دهه گذشته تغییرات زیادی در الگوهای رفتاری و روابط ژئوپلیتیکی بین رژیم صهیونیستی و اعراب وجود داشته است، از جنگ تا صلح بین مصر - رژیم صهیونیستی و اردن - رژیم صهیونیستی و در ادامه رابطه پنهانی بین تعدادی از دولت‌های عربی با رژیم صهیونیستی و اکنون نیز پیمان صلح ابراهیم که منجر به عادی‌سازی روابط بین دولت‌ها شد. این رویداد (پیمان ابراهیم) مهم‌ترین دستاورد سیاست خارجی دوره ریاست جمهوری ترامپ بود و تعداد کشورهای عربی را که اسرائیل را به رسمیت شناختند دو برابر کرد (Lazin,

476: 2023). این پیمان سبب شد عادی سازی روابط کشورهای عرب با رژیم صهیونیستی، در مدت کوتاهی به کشورهایی همچون سودان و مراکش سرایت کند و به نظر می رسد در آینده نزدیک دیگر کشورهای عربی همچون عربستان، عمان و... را نیز فرا بگیرد.

این پیمان و گسترش آن را می توان نقطه آغاز تحولات بنیادی در نظم منطقه ای غرب آسیا دانست؛ چنین امری بی شک تأثیرات قابل توجهی بر محیط سیاسی و امنیتی^۱ غرب آسیا به طور عام و جمهوری اسلامی ایران به طور خاص خواهد داشت و ژئوپلیتیک منطقه را با تحولات عدیده ای روبه رو خواهد کرد که با توجه به جایگاه و نقش جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا و تأثیر گذاری و تأثیر پذیری از روندها و تحولات منطقه، بر جمهوری اسلامی ایران که بخشی از منافع سیاسی و امنیتی خود را در این منطقه تعریف نموده، تأثیر گذار است. از این رو بررسی آثار و پیامدهای این پیمان بر منافع سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا، جهت نگاه به آینده و ساخت آینده و اتخاذ تدابیر و تصمیم های مناسب، ضروری است. برنامه ریزی برای ساخت آینده و برپایی هوشمندانه و مطلوب آن، نیازمند ارائه تصویر از آینده است، در خصوص اتخاذ راهبردها و سیاست های مناسب جهت خنثی سازی و یا تقلیل و کم رنگ نمودن آثار و پیامدهای پیمان ابراهیم، لازم است تصویر آینده این آثار و پیامدها ارائه شود؛ بنابراین، در این پژوهش بر آنیم پاسخ مناسب برای این سؤال ارائه نمائیم؛ تصویر (چرخ) آینده آثار و پیامدهای پیمان ابراهیم بر منافع سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا چیست؟

سؤالات فرعی

- ۱- تصویر (چرخ) آینده آثار و پیامدهای پیمان ابراهیم بر منافع سیاسی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا کدام اند؟
- ۲- تصویر (چرخ) آینده آثار و پیامدهای پیمان ابراهیم بر منافع امنیتی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا کدام اند؟

مبانی نظری

آینده پژوهی

از مهم‌ترین مزایای مطالعات آینده می‌توان به ارائه تصاویر علمی و منسجم از آینده، ساماندهی چشم‌اندازها، آینده‌ها و خواسته‌های مختلف مورد مطالعه، ایجاد اتفاق آرا و کمک به تدوین راهبردهای منطقه‌ای، ارائه مسیر خط‌مشی و اولویت‌های حل مسئله و افزایش آگاهی و دانش بازیگران کلیدی و تصمیم‌گیرندگان اشاره کرد. براین اساس لازمه حضور، رشد و بقا در عصر پر از تغییر و عدم قطعیت کنونی، بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی به عنوان موضوعی کلیدی است (قلی‌زاده زاوشی و همکاران، ۱۳۹۸).

آینده‌پژوهی یا آینده‌شناسی یا علم آینده درصدد است تا منابع، الگوها و دلایل تغییر یا ثبات یک مسئله به منظور توسعه آینده‌نگری و گسترش دامنه دوراندیشی را بررسی کند و انتخاب‌ها و احتمالات مختلف را در نظر بگیرد. به عبارت دیگر، آینده‌پژوهی شامل گردآوری داده‌های کمی و کیفی در مورد احتمال، امکان، اولویت و ضرورت تغییر یا تغییرات خاص است که مبتنی بر آمار و احتمال آینده است. همان‌طور که در تاریخ گذشته پژوهشی به دنبال توضیح حوادث و اتفاقات گذشته و کشف دلایل و زمینه‌های رخ دادن آن‌ها است، آینده‌پژوهی به دنبال درک نیروهای نهفته و خفته زمان حاضر و امکان بروز رخدادها یا آینده است. در آینده‌پژوهی تمام احتمالات وقوع یک حادثه خوب یا بد، در آینده با تمام دقت سنجیده می‌شود. آینده‌پژوهی بر آینده‌اندیشی استوار است و بستر این دو، نگرش حاکم بر جامعه است. این سه، نظامی را به عنوان نظام «نگرش آینده‌پژوهی» شکل می‌دهند که ترسیم گرابعاد نظری و کاربردی آینده‌پژوهی است (عیوضی و پدرام، ۱۳۹۴: ۸۲-۸۳). بنا بر اصل عدم قطعیت آینده به طور دقیق قابل پیش‌گویی نیست. البته قابل پیش‌گویی بودن آینده، بدین معنا نیست که نگران آینده نباشیم و تنها به بخت و اقبال یا سرنوشت تکیه و اعتماد کنیم؛ بلکه این اصل حکم می‌کند که نسبت به آینده موضع مناسب‌تری اتخاذ کنیم، نه در پی پیشگویانه آینده باشیم، نه امور را به سرنوشت قضا و قدر وانهیم و نه بدون طرح و برنامه قبلی حرکت کنیم (حاجیان، ۱۳۹۱: ۳۸).

بر اساس پیش فرض های نگاه به آینده، لازم است تا به ساخت آینده دقت شود. برای اینکه بتوان آینده را ساخت، ضروری است تا به این پرسش پاسخ داده شود که «آینده چگونه ساخته می شود؟» بدین ترتیب آینده پژوه تنها ناظر بیرونی نیست که آینده قطعی را می بیند، بلکه کسی است که در ساخت آینده ای مطلوب تر گام بر می دارد و می تواند مشارکت گروه های مختلف را برای ساخت آینده جلب و هماهنگ سازد. جیمز دیتور، یکی از آینده پژوهان برجسته، آینده را حاصل اندرکنش چهار عامل روندها، رویدادها، تصویرها و اقدام ها می داند (وقوفی، ۱۴۰۰: ۶۲).

تصاویر آینده

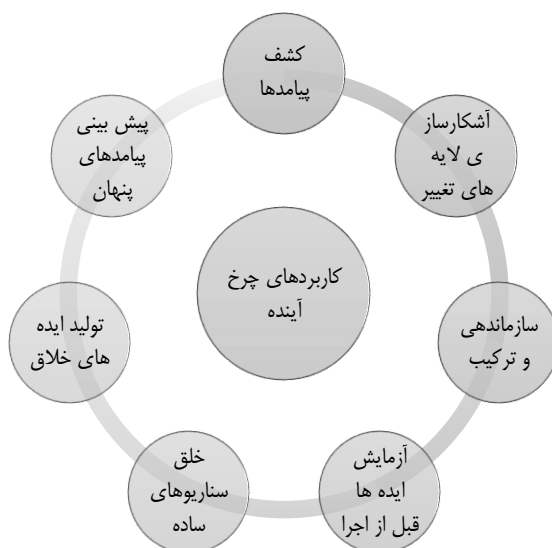
تصاویر آینده نشان دهنده انتظارات، بیم ها و امیدهای انسان برای آینده است (Kaboli and Tapio 2018: 33). آینده پژوهان تصاویر آینده را یکی از عوامل تأثیرگذار بر رفتارهای کنونی انسان می دانند؛ زیرا افراد تلاش می کنند خود را با آنچه به گمان آنها اتفاق خواهد افتاد، سازگار کنند یا به گونه ای رفتار کنند که آینده دلخواه خود را بسازند (Bell, 2003: 38). پولاک معتقد است تصاویر آینده یکی از ابزارهای انسانی برای مقابله با عدم قطعیت های آینده هستند (Polak, 1973: 5). تصویر یکی از عناصر اصلی سازنده آینده است و نقش و وزن مهمی در شناخت و ساخت آینده دارد.

تصویر یک گزاره مستدل نیست، بلکه اشاره به چیز مهمی دارد یا از آن خبر می دهد؛ در واقع عکسی است که توجه ما را به یک ویژگی مهم جلب می کند. تصویر می کوشد تا واقعیت پیچیده ای را ساده سازی کند، بر آن اثر بگذارد و آن را مشخص سازد. (Taheri Demneh and Morgan: 2018: 51). تصاویر آینده با ایجاد باور عینی درباره امکان های آینده، می توانند تاریخ آینده را بسازند و منجر به تلاش جمعی و شکل گیری هویت مشارکتی شوند (رضایان قیه باشی و کاظمی، ۱۳۹۳: ۱۷۶-۱۷۷). در همین راستا تأکید می شود آینده را اگر چه نمی توان پیش بینی کرد، می توان ادعا کرد که تاریخ، صعود و نزولی را دنبال می کند که با تصاویر آینده مرتبط است؛ بنابراین در تاریخ های آینده، افراد پس از تصور دیدگاه های خود، راهبردهایی برای به وقوع پیوستن این دیدگاه ها ایجاد می کنند (عنایت الله، ۱۳۹۱: ۳۹۱). تصاویر آینده را می توان از کنار هم قرار نهادن تصاویر خردتر و جزئی تر به عنوان سلول ها یا بلوک های سازنده آنها ساخت،

به گونه‌ای که هر سلول جزئی از کلان تصویر به شمار آید و به مثابه تکه‌ای از پازل و به این ترتیب فهم تصویر کلان ساده‌تر باشد (پور عزت، ۱۳۸۹: ۱۲).

چرخ آینده

برای شناسایی پیامدهای ممکن و محتمل یک موضوع، روش‌ها و سازوکارهای مختلفی می‌تواند بکار گرفته شوند. علاوه بر سناریونویسی، روش چرخ آینده به عنوان یکی از روش‌های مطرح آینده‌پژوهی در شناسایی و کشف پیامدهای ممکن و محتمل آینده است (گلن و گوردون، ۱۳۹۲) به عنوان مبدع این روش، کاربردهای مختلفی برای آن برشمرده است. مهمترین کاربردهای این چرخ به شرح شکل (۲) است:



شکل ۲. کاربردهای اصلی روش چرخ آینده

به کارگرفتن چرخ آینده برای کشف پیامدهای ممکن و محتمل آینده، نیازمند مقدماتی است. همان‌طور که گلن معتقد است این چرخ تلاش می‌کند تا با تمرکز بر روی یک موضوع یا مسئله، پیامدهای مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فناورانه، زیست‌محیطی، نظامی و غیره را در چندین لایه مورد شناسایی قرار دهد. برای شناسایی این پیامدها با این گستره موضوعی، نیاز به سازماندهی و به کارگیری خبره‌هایی از همه حوزه‌های مورد نیاز، در قالب پنل یا مصاحبه است. گلن معتقد است چرخ

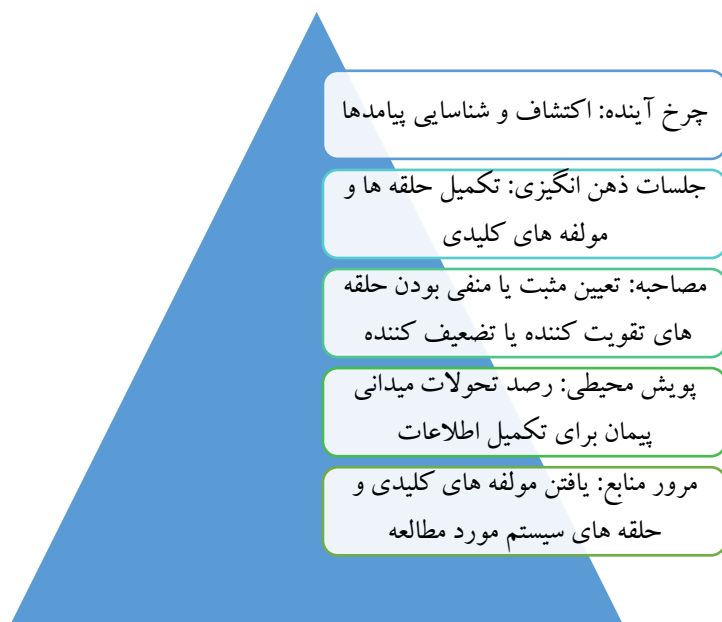
آینده روشی خلاقیت محور و تکمیل چرخ‌های آن نیازمند ذهن انگیزی و آشکارسازی پیامدهای پنهان است. پیامدهایی که اغلب در جلسات ذهن انگیزی شناخته می‌شوند. یکی دیگر از مقدمات مهم چرخ آینده، پویش محیطی است. پویش محیطی باهدف رصد تحولات مرتبط با موضوع مورد مطالعه، انجام می‌شود. پویش محیطی از این نظر که ما را در درک علائم و نشانه‌های ضعیف توانمند کرده و به اصطلاح باعث می‌شود تا زودتر از دیگران علائم تغییر را درک کنیم، بسیار مهم است. همچنین، پویش محیطی به‌خاطر رصد آخرین تغییر و تحولاتی که در حوزه مورد مطالعه رخ داده‌اند، برای تکمیل پیامدهای درجه اول، دوم و سوم در چرخ ضروری هستند (گلن، ۱۳۹۲: ۵۶۲).

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی، از نظر ماهیت، توصیفی و روش‌شناسی آن کیفی استقرایی محسوب می‌شود. باتوجه به اینکه آثار و پیامدهای موضوع مورد پژوهش به‌صورت کامل بروز و ظهور نکرده است و در آینده نمایان خواهد شد، در نتیجه ضرورت داشت که از روش‌های آینده‌پژوهی برای شناسایی تأثیرات این طرح بر منافع سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا استفاده شود، لذا از این میان، تکنیک چرخ آینده به کار بسته شده است. جامعه آماری پژوهش شامل دو گروه؛ ۱. اساتید دانشگاه صاحب نظر در حوزه‌های علمی مرتبط ۲. کارگزاران سیاسی و امنیتی در حوزه‌های کاری مرتبط و سابقه اجرایی در سطح ملی یا بین‌الملل با بیشترین تجربه زیستی در خصوص موضوع پژوهش، هستند. مصاحبه‌شوندگان ۲۰ نفر از جامعه آماری مذکور هستند که حجم آن بر مبنای منطق اشباع نظری به شیوه نمونه‌برداری گلوله‌برفی و با معیار تجربه زیستی در حوزه پژوهش انتخاب شده‌اند. در اجرای این پژوهش، جهت گردآوری داده‌ها از ابزار مصاحبه به شیوه نیمه‌ساختاریافته استفاده شده است و پس از اجرای هر مصاحبه، متن مصاحبه پیاده‌سازی و در نرم افزار تحلیل کیفی (MaxQDA) بارگزاری و کدگذاری شده است و تجزیه و تحلیل صورت گرفته است.

گام‌های اجرای پژوهش

در شکل (۲) شمای کلی روش این پژوهش، نشان داده شده است.



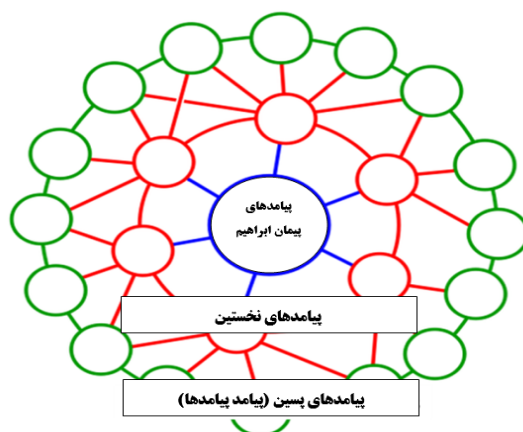
شکل ۲. گام های اجرای پژوهش بر اساس تکنیک چرخ آینده برای شناسایی پیامدها (منبع: نگارندگان)

با اجرای گام اول تکنیک چرخ آینده (مرور منابع مرتبط با موضوع، مؤلفه های کلیدی، پیشران ها و حلقه های بازخورد مثبت و منفی) و گام دوم چرخ آینده (پویش محیطی)، آخرین تحولات میدانی ناشی از پیامدهای این پیمان مورد بررسی قرار گرفته است و با بهره گیری از نظر ۶ نفر از اساتید صاحب نظر حوزه های علمی مرتبط (جغرافیای سیاسی، روابط بین الملل و امنیت ملی) سؤالات مصاحبه طراحی شده است. در گام سوم تکنیک چرخ آینده (با گسترش جامعه آماری، ۲۰ نفر از اساتید صاحب نظر در حوزه های علمی و کارگزاران سیاسی و امنیتی مرتبط) که با مدل گلوله برفی و بر اساس شهرت و شایستگی انتخاب شده و مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام گرفته است. سپس گام چهارم (ذهن انگیزی: به منظور تکمیل حلقه ها و مولفه های کلیدی) انجام و در گام نهایت، با کدگذاری و نظام مند تمامی داده های گردآوری شده از گام های قبلی به ترسیم یا تکمیل چرخ آینده، مبادرت شده است.

با توجه به اینکه در این پژوهش از روش به مثابه چارچوبی برای فهم پدیده یا مدل مفهومی استفاده شده است، بنابراین مدل مفهومی پژوهش جهت ترسیم تصویر آینده پیامدهای پیمان ابراهیم، بدین شرح است؛

مدل مفهومی پژوهش

این پژوهش به دنبال استخراج سلول‌ها یا بلوک‌های سازنده تصویر (چرخ) آینده آثار و پیامدهای پیمان ابراهیم بر منافع سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا است. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد جهت تحقق این مهم، تکنیک چرخ آینده به کار بسته شده است؛ بنابراین به منظور ارائه مدل مفهومی این پژوهش، پیمان ابراهیم را در مرکز نوشته و پیامدهای نخستین ترسیم می‌شود، سپس باتکیه بر پیامدهای نخستین، پیامدهای پسین (پیامد پیامدها) احصا می‌گردد و بدین صورت تصویر (چرخ) آینده پیامدهای آن به شرح شکل (۳) ترسیم می‌شود.



شکل ۳. مدل مفهومی پژوهش

پیشینه پژوهش

پیشینه این پژوهش مقالات و پایان‌نامه‌هایی است که به بررسی آثار و پیامدهای پیمان ابراهیم و عادی‌سازی روابط اعراب و رژیم پرداخته‌اند؛ زیبایی، مختار، نصری، زنیره و رستمی، فرزاد

(۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «فرایند عادی‌سازی مناسبات اعراب و رژیم صهیونیستی؛ پیامدهای آن برای محیط امنیتی ایران» با روش توصیفی - تحلیلی و با کاربرست نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای به دنبال بررسی پیامدهای عادی‌سازی مناسبات اعراب و رژیم صهیونیستی بر محیط امنیتی ایران است. یافته‌ها نشان می‌دهد، توسعه مناسبات اعراب - رژیم صهیونیستی و اهداف آن‌ها از عادی‌سازی مناسبات، پیامدهایی اساسی بر محیط امنیتی منطقه‌ای ایران؛ چون برهم خوردن ساختار توازن قدرت در منطقه و شکل‌گیری فرایند موازنه تهدید نوین منطقه‌ای علیه ایران، عدم شکل‌گیری رژیم و ترتیبات امنیتی پایدار در منطقه، رشد گروه‌های رادیکال و افراطی در منطقه، توسعه و گسترش حضور و نفوذ آمریکا و شکل‌دادن به یک نظم پساداعشی در غیاب ایران داشته است.

بابایی، محمد و یوسفی، میرعلی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر پیمان صلح آبراهام (ابراهیم) بر مجموعه امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه» به روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و فضای مجازی به این سوال پاسخ می‌دهد که پیمان صلح آبراهام چه تأثیری می‌تواند بر مجموعه امنیتی خاورمیانه داشته باشد؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که پیمان صلح آبراهام می‌تواند با کم‌رنگ کردن دشمنی با رژیم صهیونیستی و برساختن تهدید مشترک از ایران منجر به شکستن انزوای منطقه‌ای رژیم صهیونیستی، تقویت قطب عربستان در مقابل محور مقاومت و کاهش پیوند میان سه زیر مجموعه در مجموعه امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه گردد. اما مخالفت مردم منطقه با این روند به عنوان مانعی جدی در مقابل پیمان صلح آبراهام تلقی می‌شود.

مقومی، امیررضا و جاودانی مقدم، مهدی (۱۴۰۱) در مقاله «واکاوی علل و انگیزه‌های امارات متحده عربی در عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی و پیامدهای آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» به دنبال یافتن مهمترین متغیرهای تأثیرگذار در علنی‌سازی روابط امارات متحده عربی با رژیم صهیونیستی است و اینکه این مسئله، چه تأثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد؟ یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که موازنه‌سازی در برابر محور مقاومت و گروه‌های اخوانی، اندیشیدن به غرب آسیای پسا آمریکا و هراس از سیاست‌های واشنگتن، جلب حمایت آمریکا و استفاده از لابی‌های صهیونیستی و همچنین بهره‌مندی از مزایای فناورانه رژیم صهیونیستی، متغیرهای اصلی و تأثیرگذار در علنی‌سازی روابط امارات متحده عربی با رژیم صهیونیستی به شمار می‌آیند. مهمترین پیامدهای این پیمان؛ تابوشکنی توافق ابراهیم و دومینوی

عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی، تلاش رژیم صهیونیستی برای موازنه تهدید با ایران، تغییر ژئوپلیتیک انتقال انرژی منطقه، مخالفت با افکار عمومی جهان عرب، ارتقا و تحکیم محور مقاومت و افزایش آسیب پذیری رژیم صهیونیستی در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران هستند.

عزیزی، فرهاد (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «پیامدهای عادی سازی روابط کشورهای حاشیه خلیج فارس با رژیم صهیونیستی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» با روش توصیفی - تحلیلی و با هدف بررسی پیامدهای توسعه روابط کشورهای عربی حوزه خلیج فارس با رژیم صهیونیستی بر امنیت جمهوری اسلامی ایران انجام داده است. نتایج بیانگر آن است که توسعه روابط اعراب و رژیم صهیونیستی و اهداف آنها در عادی سازی روابط، پیامدهای اساسی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران همچون؛ فروپاشی ساختار موازنه قدرت در منطقه و شکل گیری یک فرآیند جدید موازنه سازی تهدیدات منطقه ای علیه ایران، عدم شکل گیری یک رژیم باثبات و ترتیبات امنیتی در منطقه، رشد گروه های رادیکال و افراطی در منطقه، توسعه و گسترش حضور و نفوذ آمریکا و شکل دادن به آن در غیاب ایران پس از داعش دارد.

شیزا احمد^۱ (۲۰۲۲) در مقاله ای با عنوان «توافقات ابراهیم: همسویی مجدد راهبردی در خاورمیانه» به این نتیجه می رسد که تنظیم مجدد راهبردی در خاورمیانه نتیجه برجسته توافق ابراهیم بوده است. این صفت بندی ها برای دستیابی به اهداف راهبردی، امارات و بحرین را تشویق کرده است تا روابط خود با اسرائیل را از کانال های پس زمینه به همکاری های باز منتقل کنند. این نشان دهنده آغاز عصر جدیدی است که شکاف های موجود در منطقه را تشدید می کند و شکاف های جدیدی را ایجاد می کند. در حالی که تأثیر کوتاه مدت برای کشورهای امضا کننده، مثبت به نظر می رسد، ماهیت یک طرفه این توافق بر اساس مزایای راهبردی برای اسرائیل نشان می دهد که پیامدهای بلندمدت پر مخمضه خواهد بود. از آنجایی که کشورهای عربی تصمیم به حفظ تعهد خود برای عادی سازی روابط با اسرائیل دارند، منطقه ممکن است "جنگ سرد خاورمیانه جدید" را تجربه کند. آغاز همکاری های چهارجانبه بین امارات، اسرائیل، ایالات متحده و هند می تواند به چهارگانه خاورمیانه تبدیل شود. این مشارکت به نفع کشورهای امضا کننده و به ضرر فلسطینی ها خواهد بود. درعین حال، کاهش بی طرفی عمان نسبت به رقابت های خاورمیانه و

1 Shiza Ahmed

تعاملات پنهانی عربستان سعودی با اسرائیل نشان می‌دهد که صف‌بندی‌های مجدد در منطقه همچنان شتاب بیشتری خواهد گرفت.

عزیز الرحمان^۱ (۲۰۲۱) در مقاله «علل توافق ابراهیم و پیامدهای آن برای روند صلح در خاورمیانه» معتقد است که مشکل فلسطین و اسرائیل مهم‌ترین مانع در روند صلح در خاورمیانه بوده است. این تحقیق به این نتیجه رسیده است که تغییرات ژئوپلیتیکی در دهه گذشته به دلیل بهار عربی، ظهور اخوان المسلمین، داعش و نیروهای هژمونی جدید غیر عرب مانند ایران و ترکیه، نظم سیاسی متعارف خاورمیانه و شمال آفریقا را کاملاً بر هم زده است. در طول دهه گذشته، این تحولات دیدگاه پادشاهی‌های عرب را نسبت به مسئله فلسطین تغییر داده است که آن‌ها آن را صرفاً منحرف کردن توجه از تهدیدهای فوری واقعی می‌دانند. در نهایت به توافق ابراهیم بین امارات متحده عربی و اسرائیل و سپس توافق بین بحرین و اسرائیل کمک کرد. درحالی که اختلاف دیدگاه‌های قابل توجهی در مورد توافق وجود دارد، اما از منظر عمل‌گرایانه منجر به درگیری و هرج و مرج بیشتر در خاورمیانه خواهد شد، همان‌طور که در تحولات اخیر در لیبی و دریای مدیترانه ظاهر شده است.

مایکل ماکوفسکی^۲ و همکاران (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان «پیمان ابراهیم؛ الحاق رژیم صهیونیستی به حوزه مأموریتی سنتکام» که بیشتر جنبه راهبردی و نظامی دارد، به تأثیر پیوستن رژیم صهیونیستی به حوزه سنتکام (حوزه‌ای که توجه و تمرکز آن بر جمهوری اسلامی ایران است) و مزایای آن را برای کشورهای عربی، رژیم صهیونیستی و ایالات متحده پرداخته است که بدین شرح است:

تقویت پیوندهای رژیم صهیونیستی با سنتکام و منتفع شدن از مزایای راهبردی و عملیاتی انتقال این کشور به سنتکام و پیام‌بازدارنده از اتحاد منطقه‌ای و تعهد ایالات متحده به رهبری منطقه علیه ایران، همکاری منطقه‌ای نزدیک‌تر و سودمندتر در مورد موضوعات مشخص و تحت نظارت ایالات متحده آمریکا، ایجاد یک الگوی جدید و یا انبار WRSA-1 - انبار تسلیحات با هدایت دقیق - به‌عنوان عامل اصلی در وضعیت راهبرد ضدایرانی آمریکا و به‌روزرسانی و گسترش این مدل انبار، استفاده از دستاوردهای عملیاتی و فنی خود در دفاع موشکی به شبکه هوایی چندلایه مؤثر در سراسر منطقه و در برابر موشک‌ها و هواپیماهای بدون سرنشین ایران و حزب‌الله لبنان،

1 Aziz Ur Rehman

2 Makovsky, Michael

تمرینات آموزش مشترک رسمی و منظم نظامی در بین ایالات متحده آمریکا، رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی، هماهنگی بهتر و تجزیه و تحلیل بین ارتش رژیم صهیونیستی (که علیه ایران و نیروهای نیابتی آن در سوریه و عراق در حوزه سنتکام انجام می شود) و نیروهای آمریکایی تحت واپایش سنتکام و همچنین فراهم نمودن زمینه های نظامی منطقه ای و برنامه ریزی راهبردی، فرماندهی و واپایش، پشتیبانی لجستیکی، اشتراک اطلاعاتی و حتی تدارک آماد بین رژیم صهیونیستی با نیروهای آمریکایی در غرب آسیا و هم پیمانان عرب از پیامدها و مزایای پیوستن اسرائیل به سنتکام هستند.

همان گونه که در بین آثار منتشر شده پیرامون پیمان ابراهیم و عادی سازی روابط بین رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی ملاحظه گردید، علی رغم اینکه پژوهش های علمی مناسبی صورت گرفته است؛ اما هیچ کدام به بررسی جامع آثار و پیامدهای مثبت و منفی پیمان ابراهیم بر منافع سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران پرداخته اند؛ لذا این پژوهش نخستین اثر جامع در این خصوص محسوب می شود و با به کار بستن تکنیک چرخ آینده، ضمن ارائه پیامدهای نخستین این پیمان، تصویر (چرخ) آینده این پیامدها را نیز ترسیم خواهد نمود.

یافته های پژوهش

در این پژوهش برای رسیدن به هدف اصلی که ترسیم تصویر (چرخ) آینده پیامدهای پیمان ابراهیم بر منافع سیاسی و امنیتی جمهور اسلامی ایران در غرب آسیا با رویکرد ژئوپلیتیکی است، از تکنیک چرخ آینده بهره گرفته شد تا بتوان با مراجعه به نظرات خبرگان و متخصصان به استخراج پیامدهای نخستین و پسین آن پرداخت. در این باره دو پرسش مطرح شد: تصویر (چرخ) آینده آثار و پیامدهای پیمان ابراهیم بر منافع سیاسی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا کدام اند؟ و (چرخ) آینده آثار و پیامدهای پیمان ابراهیم بر منافع امنیتی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا کدام اند؟ و در نهایت با نگرش به پاسخ های داده شده، چرخ آینده پیامدهای پیمان ابراهیم ترسیم شد. پیامدها، خروجی حاصل از استخدام راهبردها هستند. این پیامدها ممکن است اتفاقات و حوادث باشند که شکل منفی یا مثبت به خود بگیرند، واقعی یا ضمنی باشند و در حال یا آینده نزدیک یا دور بروز و ظهور نمایند.

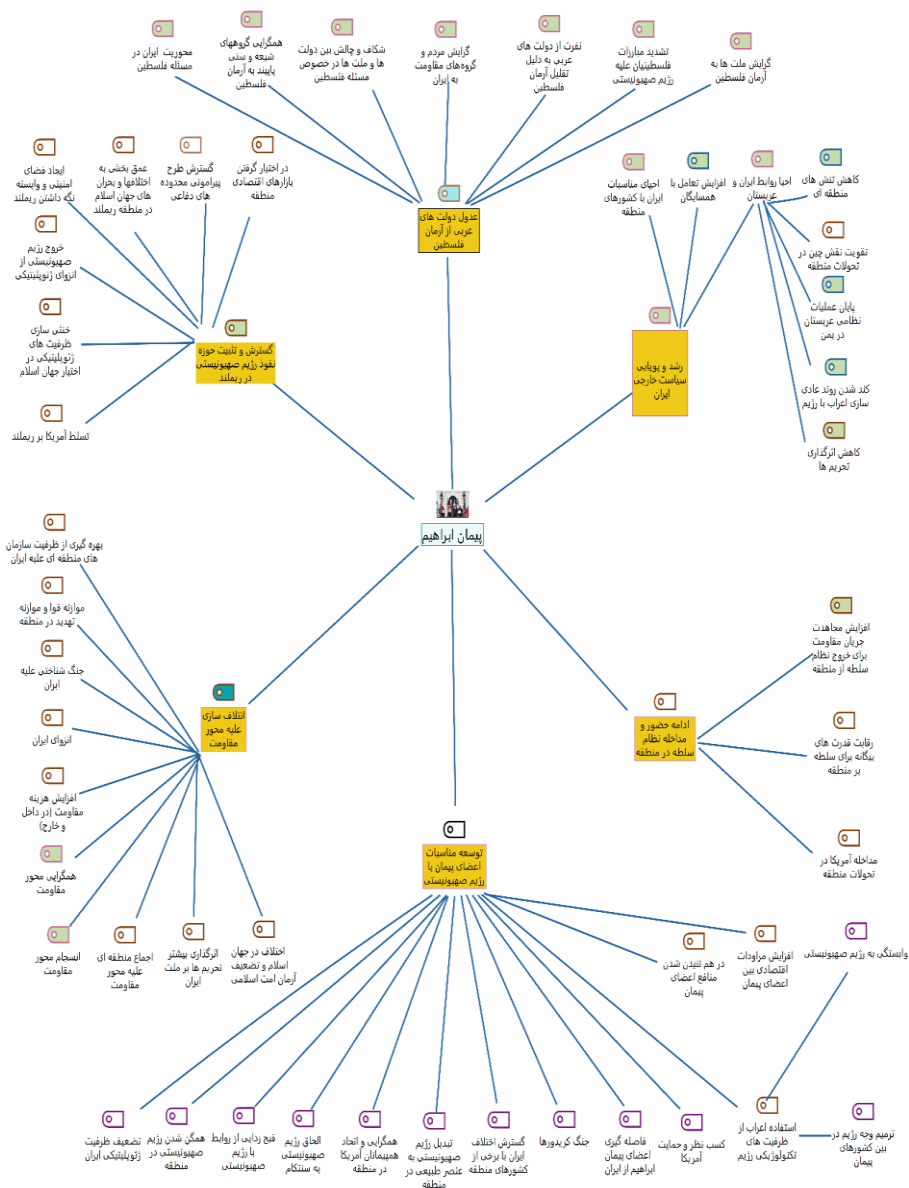
پاسخ سوالات

یافته‌های پیونددار با پرسش نخست: تصویر (چرخ) آینده آثار و پیامدهای پیمان ابراهیم بر منافع سیاسی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا کدام‌اند؟ با توجه به کاربرست تکنیک چرخ آینده جهت احصا و نظام‌مند نمودن پیامدها، مهم‌ترین پیامدهای این پیمان بر منافع سیاسی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا که در این تحقیق به دست آمده بدین شرح است:

«عدول دولت‌های عربی از آرمان فلسطین»، «بازنگری و پویایی سیاست خارجی ایران»، «ادامه حضور و مداخله نظام سلطه در منطقه»، «گسترش و تثبیت حوزه نفوذ رژیم صهیونیستی در ریملند»، «ائتلاف‌سازی علیه محور مقاومت» و «توسعه مناسبات اعضای پیمان با رژیم» است. هر کدام از این پیامدها خود پیامدهای پسین (پیامد پیامدها) را در پی دارند. در شکل شماره (۴) شبکه معنایی پیامدهای نخستین و پیامدهای پسین پیمان ابراهیم بر منافع سیاسی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا (مستخرج از نرم‌افزار رایانه‌ای MaxQDA) از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان نشان داده شده است.

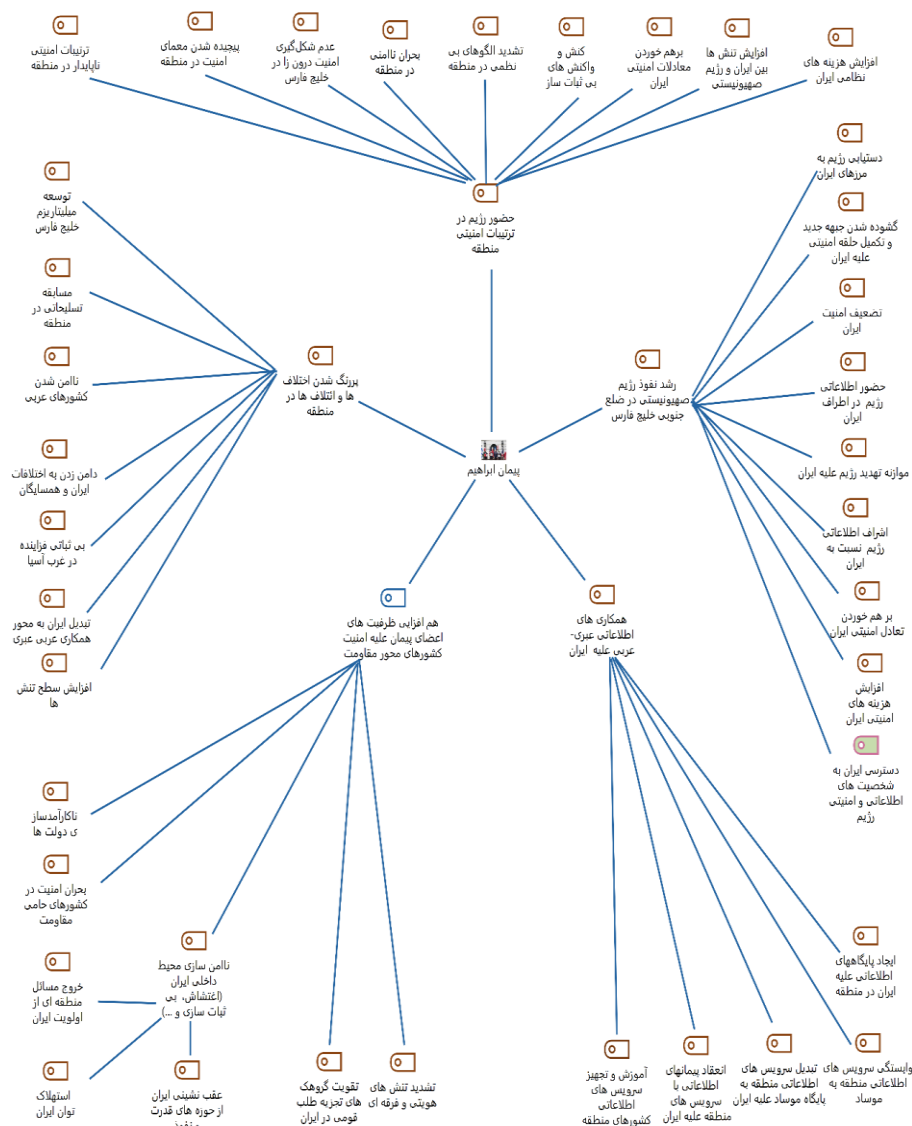
یافته‌های پیونددار با پرسش دوم: تصویر (چرخ) آینده آثار و پیامدهای پیمان ابراهیم بر منافع امنیتی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا کدام‌اند؟ با توجه به کاربرست تکنیک چرخ آینده جهت احصا و نظام‌مند نمودن پیامدها، مهم‌ترین پیامدهای این پیمان بر منافع امنیتی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا که در این تحقیق به دست آمده بدین شرح است: «رشد نفوذ رژیم صهیونیستی در ضلع جنوبی خلیج فارس»، «هم‌افزایی ظرفیت‌های اعضای پیمان علیه امنیت کشورهای محور مقاومت»، «همکاری‌های اطلاعاتی عبری - عربی علیه ایران»، «پررنگ‌شدن اختلاف‌ها و ائتلاف‌ها در منطقه» و «حضور رژیم صهیونیستی در تریبایات امنیتی منطقه» است. هر کدام از این پیامدها خود پیامدهای پسین (پیامد پیامدها) را در پی دارند. در شکل شماره (۵) شبکه معنایی پیامدهای نخستین و پسین پیمان ابراهیم بر منافع امنیتی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا (مستخرج از نرم‌افزار رایانه‌ای) از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان نشان داده شده است.

سیاست دفاعی



شکل ۴. شبکه‌ی معنایی پیامدهای نخستین و پسین پیمان ابراهیم بر منافع سیاسی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا (منبع: یافته‌های پژوهش)

تصویر آینده آثار و پیامدهای پیمان ابراهیم بر منافع سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا

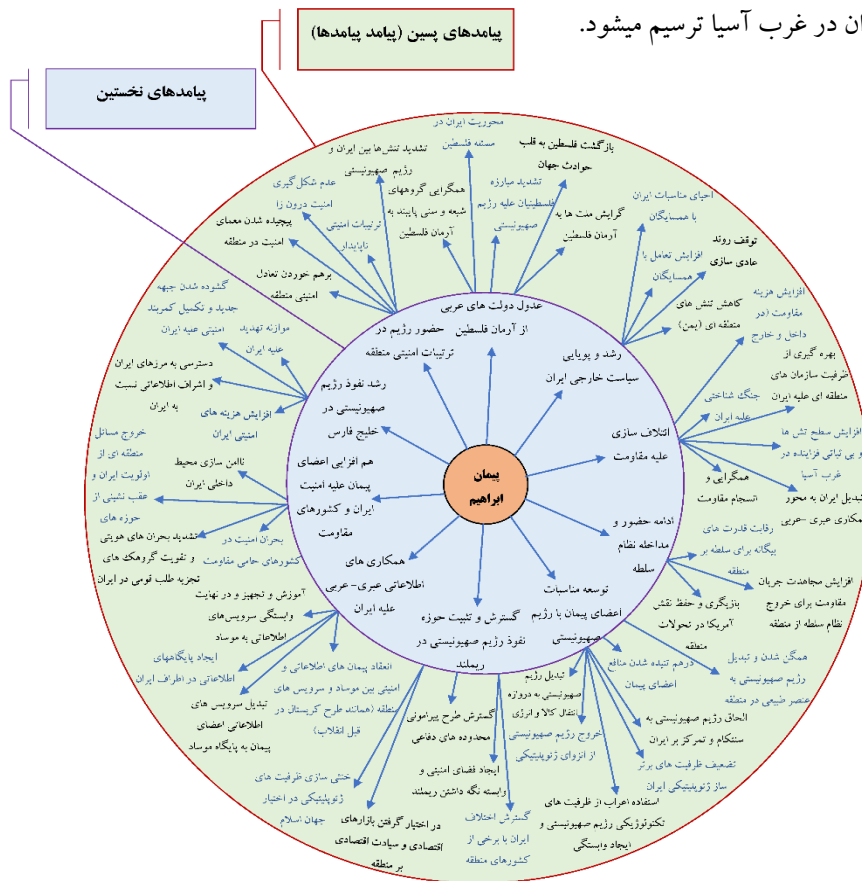


شکل ۵. شبکه معنایی پیامدهای نخستین و پسین پیمان ابراهیم بر منافع امنیتی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا

(منبع: یافته‌های پژوهش)

الگوی نظری پژوهش

شکل شماره (۶) نمای کلی الگوی نظری حاصل از نظام‌مند نمودن پیامدهای پیمان ابراهیم بر اساس تکنیک چرخ آینده را نشان می‌دهد. در این مرحله موضوع مورد مطالعه یعنی پیمان ابراهیم را در مرکز نوشته و پیامدهای نخستین آن بر منافع سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا ترسیم می‌گردد. باتکیه بر پیامدهای نخستین، پیامدهای پسین (پیامد پیامدها) ترسیم شده است و بدین صورت تصویر (چرخ) آینده پیامدهای آن بر منافع سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا ترسیم می‌شود.



شکل ۶. تصویر (چرخ آینده) پیامدهای پیمان ابراهیم بر منافع سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا (منبع: یافته‌های پژوهش)

تجزیه و تحلیل

از نظر موقعیت جغرافیایی تمرکز اصلی پیمان ابراهیم و نقطه کانونی آن، محیط امنیتی پیرامون جمهوری اسلامی ایران و به ویژه حوزه خلیج فارس است و جنبه ضدایرانی - به عنوان رهبر و راهبر محور مقاومت - را به خود گرفته است، بنابراین این پیمان آثار و پیامدهایی را بر منافع سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران و بر ژئوپلیتیک غرب آسیا داشته است و در آینده نیز تأثیراتی را در پی خواهد داشت. یافته‌های پژوهش گویای آن است که این پیمان و عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی، عدول دولت‌های عربی از آرمان فلسطین را در پی دارد. گروه‌های مقاومت فلسطینی به‌خوبی این موضوع را درک کرده‌اند که پیمان ابراهیم باعث به حاشیه رفتن مسئله فلسطین و فراموشی آن خواهد شد، لذا تمام تلاش خود جهت جلوگیری از این موضوع را به عمل خواهند آورد و یکی از راهکارهای آنان افزایش مبارزات و اقدامات علیه رژیم صهیونیستی است تا از این طریق بتوانند آرمان فلسطین را زنده نگه دارند. این پیمان موجب گرایش اهل سنت معتقد به آرمان فلسطین و گروه‌های مقاومت سنی و شیعه به سمت جمهوری اسلامی ایران به عنوان محور مبارزه با رژیم صهیونیستی و حامی اصلی فلسطین خواهد شد و این امر در نهایت محوریت ایران در مسئله فلسطین را در پی دارد. دیگر اثر و پیامد مثبت که عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی با اعراب برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد نمود، تجدیدنظر و بازنگری ایران در سیاست منطقه‌ای و توسعه سیاست همسایگی بود. تعاملات و توافقات صورت گرفته بین جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی را می‌توان از پیامدهای این پیمان و تلاش‌های صورت گرفته جهت مقابله با این طرح از جانب ایران ارزیابی نمود. از طرفی این پیمان تغییر در نگرش ژئوپلیتیکی کشورهای منطقه را در پی خواهد داشت و پیکان ائتلاف‌هایی که طی هفت دهه اخیر به سمت رژیم صهیونیستی بوده است را متوجه ایران خواهد کرد و با استفاده از شکاف موجود میان کشورهای اسلامی، ضمن ایجاد فضای دوقطبی و چند قطبی و با اختلاف افکنی در جهان اسلام، آرمان و هویت امت اسلامی را که تاکنون مهجور بوده است بیشتر تضعیف می‌کند.

از دیگر پیامدهای مهم این پیمان می‌توان به ائتلاف‌سازی علیه محور مقاومت اشاره نمود که این پیامد خود می‌تواند آثاری از جمله موازنه قوا و موازنه تهدید در منطقه، جنگ شناختی علیه ایران، افزایش هزینه مقاومت (در داخل و خارج)، اجماع منطقه‌ای علیه محور مقاومت و اثرگذاری

بیشتر تحریم‌ها بر ملت ایران را در پی داشته باشد و از طرفی هم می‌تواند موجب انسجام و همگرایی محور مقاومت شود. ائتلاف سازی علیه محور مقاومت در منطقه غرب آسیا مهم‌ترین پیامد ژئوپلیتیکی این پیمان است که در پی آن، تقابل بین ژئوپلیتیک مقاومت به رهبری ایران و ژئوپلیتیک سازش مدنظر آمریکا تشدید خواهد شد. پررنگ شدن ائتلاف‌ها و ائتلاف‌ها در منطقه از پیامدهای این پیمان است و در صورت تشدید ائتلاف‌ها و ائتلاف‌ها، تبدیل ایران به محور همکاری عربی - عبری، دامن زدن به اختلافات ایران و همسایگان، افزایش سطح تنش‌ها و بی‌ثباتی فزاینده در غرب آسیا، توسعه نظامی گری و مسابقه تسلیحاتی در منطقه رخ خواهد داد.

پیمان ابراهیم موجبات رشد نفوذ رژیم صهیونیستی در ضلع جنوبی خلیج فارس را فراهم خواهد نمود که این امر خود می‌تواند پیامدهایی از قبیل؛ دستیابی رژیم صهیونیستی به مرزهای ایران، گشوده شدن جبهه جدید و تکمیل حلقه امنیتی علیه ایران، موازنه تهدید رژیم صهیونیستی علیه ایران، اشراف اطلاعاتی نسبت به ایران، برهم خوردن تعادل امنیتی ایران و افزایش هزینه‌های امنیتی ایران را در پی داشته باشد. همکاری‌های اطلاعاتی عبری - عربی علیه ایران از دیگر پیامدهای این طرح محسوب می‌شود، این همکاری‌ها ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی علیه ایران در منطقه، آموزش و تجهیز سرویس‌های اطلاعاتی کشورهای منطقه، انعقاد پیمان‌های اطلاعاتی با سرویس‌های منطقه علیه ایران (مثل طرح کریستال که قبل از انقلاب اسلامی بین ساواک و موساد منعقد شده بود)، تبدیل سرویس‌های اطلاعاتی منطقه به پایگاه موساد علیه ایران و وابستگی سرویس‌های اطلاعاتی منطقه به موساد را موجب خواهد شد.

هم‌افزایی ظرفیت‌های اعضای پیمان علیه امنیت کشورهای محور مقاومت از پیامدهای نخستین این پیمان به شمار می‌آید که در پی آن بحران امنیت در کشورهای حامی مقاومت، موازنه فراگیر علیه ایران و هم‌پیمانان (تقویت گروهک‌های تجزیه طلب قومی در ایران، اغتشاش، بی‌ثبات سازی و...)، ناکارآمد سازی دولت‌ها، عقب‌نشینی ایران از حوزه‌های قدرت و نفوذ و احتمالاً خروج مسائل منطقه‌ای از اولویت ایران، رخنمون خواهند یافت. از جهتی این یک تله امنیتی برای کشورهای عربی محسوب می‌گردد و اینها محل درگیری ایران و رژیم صهیونیستی خواهند شد، یعنی همان‌گونه که رژیم صهیونیستی ادعا می‌کند که ایران خاکریز خود را در لبنان

قرار داده است، رژیم صهیونیستی هم خاکریز خود را به امارات و بحرین آورده منتقل خواهد نمود و این امر به منزله فدا شدن این کشورها برای رژیم صهیونیستی است.

در صورت توسعه پیمان و عضویت کشورهای بزرگ اسلامی و عربی از قبیل عربستان سعودی، گسترش و تثبیت حوزه نفوذ رژیم صهیونیستی در منطقه ریملند جهان رخ خواهد داد که پیامدهای غیر قطعی پسین آن، در اختیار گرفتن بازارهای اقتصادی و سیادت اقتصادی بر منطقه، گسترش طرح پیرامونی محدوده‌های دفاعی، خروج رژیم صهیونیستی از انزوای ژئوپلیتیکی، خنثی سازی ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی در اختیار جهان اسلام، ادامه سلطه آمریکا بر ریملند و ایجاد فضای امنیتی و وابسته نگه داشتن آن خواهند بود. توسعه ارتباطات و گسترش اعضای پیمان ابراهیم، موجب حضور رژیم صهیونیستی در ترتیبات امنیتی منطقه خواهد شد و در صورت حضور رژیم صهیونیستی در ترتیبات امنیتی، افزایش تنش‌ها بین ایران و رژیم صهیونیستی، برهم خوردن معادلات امنیتی ایران، ترتیبات امنیتی ناپایدار در منطقه، عدم شکل گیری امنیت درون‌زا در خلیج فارس، کنش و واکنش‌های بی ثبات ساز، تشدید الگوهای بی نظمی در منطقه و پیچیده شدن معمای امنیت در منطقه رخنمون می گردد. با این پیمان و به خصوص عادی سازی عربستان و رژیم صهیونیستی، قلمرو ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران محدود خواهد شد و این محدود شدن همراه با هزینه‌های گزاف خواهد بود و باتوجه به اتخاذ رویکرد اقتصادی که خود را در پیوند با غرب تعریف کرده‌اند، تلاش خود جهت فاصله از جمهوری اسلامی ایران را خواهند داشت تا بتوانند مناسبات خود را با رژیم صهیونیستی توسعه دهند.

در نهایت می توان گفت که پیمان ابراهیم احتمالاً سبب خواهد شد منطقه غرب آسیا شاهد ادامه حضور و مداخله نظام سلطه باشد و این ادامه حضور باعث می شود که مجاهدت جریان مقاومت برای خروج نظام سلطه از منطقه افزایش یافته و کماکان تداوم داشته باشد. همچنین این طرح توسعه مناسبات اعضای پیمان با رژیم صهیونیستی را موجب می شود و پیامدهای مهم توسعه مناسبات عبارت‌اند از؛ در هم تنیدن شدن منافع اعضای پیمان، تبدیل رژیم به عنصر طبیعی در منطقه، قبح زدایی از روابط با رژیم صهیونیستی، همگن شدن رژیم صهیونیستی در منطقه، تضعیف ظرفیت‌های برتر ساز ژئوپلیتیکی ایران، همگرایی و اتحاد هم پیمانان آمریکا در منطقه و افزایش مراودات اقتصادی بین اعضای پیمان.

نتیجه گیری

به دلیل درهم تنیده بودن تحولات ژئوپلیتیکی در مقیاس ها و سطوح گوناگون، پیش شرط ارائه تحلیل صحیح و روشن در خصوص پیامدهای پیمان ابراهیم، نگاه جامع به تحولات و روندهای ژئوپلیتیکی ساخت قدرت در مقیاس های مختلف منطقه ای و جهانی است. این پیمان نیز همانند بسیاری از ائتلاف ها و اتحادها، متأثر از تحولات و رقابت های ژئوپلیتیکی برای ساخت قدرت در این مقیاس ها است. این پیمان اگرچه پدیده ای ناشناخته به نظر می رسد که محتوای آن و تفاهم نامه های بعد از آن منتشر و رسانه ای نشده است، اما از متن بیانیه اعضای پیمان، اقدامات صورت گرفته و تحولاتی که در روابط کشورها رخ داده است و بر اساس یافته های پژوهش می توان نتیجه گرفت که تمرکز اصلی و نقطه کانونی آن، جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت در غرب آسیا است؛ از این رو منافع سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا را در کوتاه مدت تحت تأثیر قرار داده و در بازه های زمانی میان مدت و بلندمدت نیز این منافع را از خود متأثر خواهد نمود. در صورت گسترش اعضا، به ویژه عادی سازی عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی که برای این پیمان جایزه بزرگ محسوب می شود پیامدهای این تحول ژئوپلیتیکی چشمگیر و پررنگ خواهد شد.

مهم ترین پیامدهایی نخستین این پیمان در مقطع کنونی؛ عدول تعدادی از کشورهای عربی از آرمان فلسطین، پویایی سیاست خارجی و بازنگری در سیاست خارجی ایران در قبال همسایگان، رشد و نفوذ رژیم صهیونیستی در حاشیه جنوبی خلیج فارس، گسترش همکاری های، سیاسی، اقتصادی، اطلاعاتی و... بین اعضا و هم افزایی اعضای پیمان علیه مقاومت، بوده است که هر کدام از این پیامدهای نخستین چندین پیامد پسین (پیامد پیامدها) را در پی داشته اند که مهم ترین آنها عبارت اند از تشدید مبارزات گروه های مقاومت فلسطینی و در پی آن اعضای محور مقاومت علیه رژیم صهیونیستی و بالعکس و تشدید ناامنی در منطقه، تغییر الگوی رفتاری ایران و عربستان، درهم تنیده شدن منافع اعضای پیمان ابراهیم که دو بعد فرصت و تهدید قابل ارزیابی هستند. از مهم ترین پیامدهای پسین که پیمان در بلندمدت در پی دارد می توان به بازگشت فلسطین به قلب حوادث جهان، بحران ناامنی در غرب آسیا، رشد نفوذ رژیم صهیونیستی در منطقه ریملند جهان و

باز ساخت آن، حضور رژیم صهیونیستی در ترتیبات امنیتی خلیج فارس، در هم تنیده شدن منافع اعضای پیمان، و تبدیل رژیم صهیونیستی به دروازه انتقال کالا و انرژی اشاره نمود.

در خصوص وضعیت کنونی و آینده این پیمان می‌توان ادعا نمود که با کنار رفتن شخص ترامپ و حزب جمهوری‌خواه آمریکا از قدرت، این پیمان در گسترش اعضا دچار توقف شد. با روی کار آمدن دمکرات‌های آمریکا به قدرت، رئیس‌جمهور آمریکا (جو بایدن) و دمکرات‌های آمریکا این پیمان را ابتکار و دست‌آورد شخص ترامپ و حزب جمهوری‌خواه می‌دانستند، لذا تمایلی به گسترش و مضاعف نمودن اعتبار آن نداشتند، گرچه تلاش‌هایی جهت عادی‌سازی روابط بین عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی توسط آمریکا صورت گرفت؛ اما این پروژه در قالب یک برنامه مستقل از پیمان ابراهیم دنبال می‌شد که تشدید مبارزات فلسطینیان و عملیات طوفان الاقصی و جنایت‌های ظالمانه رژیم صهیونیستی در نسل‌کشی مردم مظلوم فلسطین، این عادی‌سازی را از دستور کار خارج نموده است. به نظر می‌رسد با بازگشت جمهوری‌خواهان به قدرت، این پیمان احیا خواهد شد و گسترش اعضا در دستور کار دولت آمریکا قرار خواهد گرفت.

پیشنهادهای

به منظور جلوگیری از حضور رژیم صهیونیستی در ترتیبات امنیتی منطقه پیشنهاد می‌شود، ضمن حفظ اولویت و تمرکز بر «ایران قوی»، موضوع «منطقه قوی» با طرح‌هایی از قبیل صلح هرمز جهت مشارکت همسایگان در امنیت منطقه مدنظر مسئولین تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز نظام قرار گیرد.

پیشنهاد می‌شود جمهوری اسلامی ایران هم‌زمان با تنش‌زدایی، توسعه و افزایش تعاملات با همسایگان و پر نمودن خلأها و گسل‌ها در سیاست خارجی، به منظور بهره‌برداری بیشتر از این اقدامات و فرصت‌های ایجاد شده، نسبت به تنش‌زدایی با قدرت‌های جهانی و افزایش مراودات اقتصادی با آن‌ها، باهدف در هم تنیدن منافع خود با منافع این قدرت‌ها و کاهش تحریم‌ها اقدام نماید. به منظور کاهش احساس تهدید اعراب از جانب ایران، پیشنهاد می‌گردد جمهوری اسلامی ایران ضمن حفظ و ارتقای توانمندی‌های نظامی بر ظرفیت‌های ژئواکونومی، گردشگری، توسعه اقتصادی و... متمرکز شود.

از اهداف رژیم صهیونیستی و ایالات متحده آمریکا، امنیتی سازی ایران به شیوه برجسته نمودن تهدید ایران در مقیاس منطقه‌ای و جهانی و معرفی آن به عنوان محل امنیت است؛ لذا پیشنهاد می‌گردد جمهوری اسلامی ایران از هرگونه اقدام که سبب نگرانی همسایگان و بهره‌برداری رژیم و استکبار جهانی در این خصوص می‌شود، پرهیز نماید.

نگاه دولت‌ها و جریان‌های سیاسی کشور به سیاست همسایگی (نخست همسایگان) و اولویت همسایگان در سیاست خارجی یکسان شود.

در سیاست منطقه‌ای، ضمن حفظ عزت، مصلحت و حکمت، تنش‌زدایی با همسایگان (نه به معنای کوتاه آمدن از اصول و آرمان‌ها) صورت گیرد. در خصوص دیگر کشورهای منطقه الگوی روابط با قطر و عمان، تسری یابد.

پیشنهاد می‌شود، ارتباط رسانه‌ای و تبادل اخبار و اطلاعات بین ایران و کشورهای منطقه به صورت مستقیم صورت گیرد، این امر موجب استفاده از منابع مستقیم و مانع از نقش آفرینی رسانه‌های غربی که همواره در تلاش برای ایران‌هراسی و اختلاف‌افکنی هستند، می‌شود.

قدردانی

این مقاله برگرفته از رساله دکتری جغرافیای سیاسی با عنوان «تبیین ژئوپلیتیکی پیمان ابراهیم و پیامدهای آن بر منافع سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا» در دانشگاه خوارزمی تهران است. نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از دانشگاه خوارزمی تهران به خاطر حمایت‌های معنوی و فراهم نمودن شرایط پژوهش، قدردانی نمایند.

فهرست منابع

- بابایی، محمد و میر یوسفی، میرعلی. (۱۴۰۱). تاثیر پیمان صلح ابراهام بر مجموعه امنیتی منطقه ای خاورمیانه. فصلنامه مطالعات فرهنگ دیپلماسی، ۱(۱)، ۷۰-۹۲.
- پدرام، عبدالرحیم و عیوضی، محمدرحیم. (۱۳۹۴). نظام «نگرش - آینده پژوهی» اسلامی. راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۴ (۳)، ۷۷-۹۶. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22517081.1394.4.3.7.996-77>.
- پراژنگ، امیرعباس و وقوفی، امید. (۱۴۰۱). مقدمه ای بر آینده اندیشی از منظر مسیحیت. آینده پژوهی انقلاب اسلامی، ۳(۲)، ۱۷۳-۱۹۹.
- پورعزت، علی اصغر. (۱۳۸۹). مدیریت راهبردی عصرمدار، رویکرد آینده پژوهانه به منافع عمومی، چاپ اول، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- حاجبانی، ابراهیم. (۱۳۹۱). مبانی اصول و روش های آینده پژوهی. چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- رضایان، احد و کاظمی، معصومه. (۱۳۹۳). تصویرپردازی و کلان تصاویر آینده سیاست جهانی؛ تصویرپردازی روشی مناسب برای شناخت آینده در جهان پیچیده. فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی، ۶ (۳)، ۲۰۰-۲۱۳. doi: 10.7508/isih.2014.23.007
- زیبایی، مختار، نصری، زنبیره و رستمی، فرزاد. (۱۴۰۰). فرایند عادی سازی مناسبات اعراب و اسرائیل؛ پیامدهای آن برای محیط امنیتی ایران. مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۱۰(۳)، ۳۱-۶۲. <https://doi.org/10.30479/psiw.2021.14555.2921>
- عزیزی، فرهاد. (۱۴۰۱). پیامدهای عادی سازی روابط کشورهای حاشیه خلیج فارس با اسرائیل بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور خرم آباد.
- قلی زاده زاوشتی، مهدی، فضل، صفر، کشاورز، عین الله و ابن الرسول، اصغر. (۱۳۹۸). شناسایی قابلیت های کلیدی آینده نگاری سازمانی در بانک ها و موسسات مالی ایران، آینده پژوهی مدیریت، ۳۰(۱۶)، ۱-۱۴. <https://sanad.iau.ir/Journal/jmfr/Article/784947>
- عنایت الله، سهیل. (۱۳۸۸). پرسش از آینده، آینده پژوهی به مثابه ابزار تحول سازمانی و اجتماعی، ترجمع مسعود منزوی، تهران، مرکز آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- گلن، جروم سی و گوردون، تئودور. (۱۳۹۲). دانشنامه بزرگ روش های آینده پژوهی، مترجمین: مرضیه کیقبادی، فرخنده ملکی فر، تهران، انتشارات تیسرا.
- مقومی، امیررضا و جاودانی مقدم، مهدی. (۱۴۰۱). واکاوی علل و انگیزه های امارات متحده عربی در عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی و پیامدهای آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه آفاق امنیت، ۱۵(۵۵)، ۱۸۹-۲۲۵. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.25381857.1401.15.55.7.4225-189>.

- موسوی شهیدی، سید مهدی، زارعی، بهادر، پیشگاهی فرد، زهرا، بدیعی ازندهای، مرجان و واثق، محمود. (۱۴۰۱). چرخش روابط ایران و عربستان در دو بُعد تعامل و تقابل ژئوپلیتیکی و زمینه های شکل گیری آن ها. پژوهشهای جغرافیای انسانی، ۲ (۵۴). ۴۵۷-۴۷۸. doi: 10.22059/jhgr.2020.280690.1007917۴۷۸
- وقوفی، امید. (۱۴۰۰). مقدمه ای بر مبانی آینده پژوهی اسلامی، آینده پژوهی انقلاب اسلامی، ۲ (۲)، ۵۷-۸۹.
- هادی پور، میثم و حافظ-نیا، محمدرضا. (۱۴۰۱). استراتژی سیاست خارجی ج.ا.ایران در جنوب آسیا با استفاده از مدل swot و sdm. پژوهشهای جغرافیای انسانی، ۱ (۵۵)، ۷۹-۹۲. doi: 10.22059/jhgr.2021.322217.1008282
- Aziz Ur Rehman. (2021). Causes behind the Abraham Accord and its consequences for the Peace Process in the Middle East. The Middle East International Journal for Social Sciences (MEIJSS). Vol 2, No 2 June. (2020):73-83
- Bell, Wendell (2003). "Foundations of futures studies: History, purposes, and knowledge". Volume 1, Human science for a new era. New Brunswick: Transaction Publishers.
- Kaboli, S. Akhgar & Tapio, Petri (2018). "How late-modern nomads imagine tomorrow? Causal Layered Analysis practice to explore the images of the future of young adults", Futures, 96, PP 32-43.
- Makovsky, Michael &, et al. (2020). Araham's Command: Relocating Israel to CENTCOM's Area of Responsibility. JINSA
- Polak, Fred (1973), "The image of the future", Elsevier, Amsterdam.
- Taheri Demneh, Mohsen & Morgan, D. Ray (2018). "Destination Identity: Futures Images as Social Identity", Futures Studies, 22 (3), PP 51-64.
- Halbfinger, D.M. (2020). Netanyahu Drops Troubled Annexation Plan for Diplomatic Gain, The Newyourk Tims. Aug. 13, 2020. At: <https://www.nytimes.com/2020/08/13/world/middleeast/israel-uae annexation.html>
- Lazin, Fred A. (2023). President Donald Trump's Abraham Accords initiative: Prospects for Israel, the Arab states, and Palestinians. Policy Studies Yearbook Annual Review 2022-23. Volume 51, Issue 3. June 2023. Pages 476-487
- Shiza Ahmed. (2022). Abraham Accords: Strategic Realignment within Middle East. CISS Insight Journal, 10(1), P28-48. Retrieved from <http://journal.ciss.org.pk/index.php/ciss-insight/article/view/215>

